

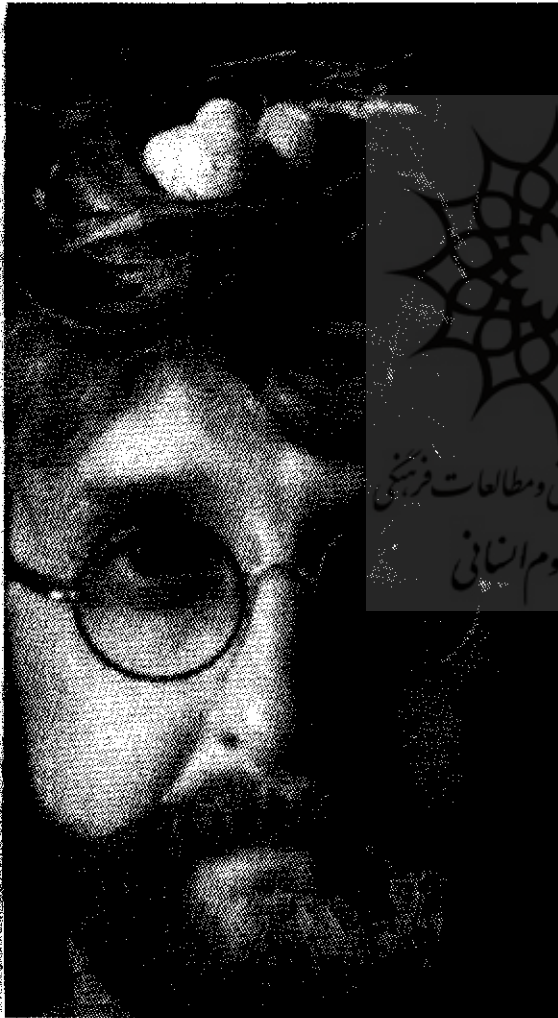
# نقش پدران در گرایش‌های اخلاقی دختران

داریوش سلطانی فتوت

نقل از: روزنامه کار و کارگر (۷۹/۹/۱)

دوران نوجوانی و بلوغ ( ۱۸ - ۱۲ سالگی)، دوران ظهور نیازهای متنوع روانی - اجتماعی است، نیازهایی که موجب پیچیده‌تر شدن روابط نوجوان با خود و سایرین می‌شود. در میان نیازهای متنوع این دوره، نیاز به محبت و توجه جنس مقابل جایگاه ویژه و منحصر به فردی دارد. این نیاز به‌طور کلی مقارن با بیداری غرایز جنسی و پیدایی صفات ثانویه و رشد سریع ابعاد بدنی (۱۶-۱۴ سالگی) آغاز می‌شود و ابتدا به‌صورت کشش‌های عاطفی (به‌خصوص در دختران) و سپس به‌صورت یک نیاز عاطفی - جنسی در برابر جنس مقابل خودنمایی می‌کند. پدید آمدن تعادل به جنس مقابل تابع قوانین رشد و تکامل بشری بوده، اساس انگیزه تشکیل خانواده و تکامل و بقای نوع انسان نیز مرهون درک چنین نیازی از جانب انسان‌هاست.

مواجهه صحیح والدین و نوجوانان و جوانان با این نیاز نیرومند در فاصله زمانی بین بلوغ و ازدواج نقش بسزایی در نهادینه کردن بهداشت روانی - اخلاقی در افراد، خانواده‌ها و نهایتاً جامعه دارد و به عکس بی‌توجهی، سوء تدابیر تربیتی و گاهی نیز موضع‌گیری‌های به اصطلاح



تأمین نیازهای عاطفی - عقلانی دختران می‌باشد. نتایج برخی از تحقیقات در این زمینه حاکی از آن است که بسیاری از دختران معصومی که در دام روابط غیراخلاقی گرفتار آمده‌اند، همواره روابط سرد و معیوبی با پدران خود داشته و نه تنها توجه و زمزمه محبتی از جانب آنان دریافت نکرده‌اند، که به اشکال مختلف مورد تحقیر و سرزنش، تنبیه و سخت‌گیری‌های افراطی یا تبعیض و بی‌تفاوتی آنها واقع شده‌اند. این گروه از دختران معمولاً دارای احساس حقارت بالایی بوده، با تصویر ذهنی معیوبی که از خود دارند، ناخودآگاه با دریافت کوچک‌ترین توجه و تأثیری از جانب جنس مقابل، به سوی آنها کشیده شده، احساس وابستگی شدید می‌کنند و همان‌گونه که گفته شد سرانجام چنین روابط کوچکی و خیابانی نیز، بیش‌تر از پسران، پایه‌های زندگی روانی و خانوادگی دختران را متزلزل می‌کند. این گروه از پدران باید آگاه باشند که علاوه بر تأمین معاش دختران خود، مسئول تأمین نیازهای روان‌شناختی آنان نیز می‌باشند و به‌طور کلی پدران در مقایسه با مادران وظایف و نقش به‌مراتب بیش‌تری در کنترل بحران‌های متنوع دوره نوجوانی فرزندان خود دارند و البته هرگونه توفیقی در انجام این وظایف مشروط بر آن است که آنها از اقتدار و اشراف عالمانه در دو جنبه عاطفی و انضباطی نیز در نظام خانواده برخوردار باشند. با توجه به توضیحات فوق و هم‌چنین برای درمان یا پیش‌گیری از بروز پیامدهای ناگوار در زندگی دختران و خانواده‌ها، توصیه‌هایی هر چند اجمالی در ذیل ارائه می‌شود که امید است والدین و به‌خصوص پدران زحمت‌کش با توجه و عمل به آنها گام‌های مؤثری در تربیت صحیح دختران که مادران و آینده‌سازان جامعه‌اند، بردارند.

روشن‌فکرانه‌گروهی از والدین موجب می‌شود که عده‌ای از دختران و پسران در تأمین چنین نیازی به بیراهه رفته، تسلیم هیجانات عاطفی و جنسی خود شوند. این گروه از دختران و پسران با ایجاد ارتباط پنهان و آشکار با یک‌دیگر به استقبال عواقب شومی می‌روند که گاهی حتی سرتاسر فضای زندگی آینده آن‌ها را تحت تأثیرات شوم خود قرار می‌دهد. از سوی دیگر در برخی از خانواده‌ها نیز، پسران خیلی کم‌تر از دختران تحت مراقبت و آموزش‌های اخلاقی قرار می‌گیرند و متأسفانه چنین به نظر می‌رسد که قبح و زشتی برقراری روابط مسئله‌دار پسران با جنس مقابل خود در نزد والدین و خانواده‌ها به‌طور روزافزونی در حال ریزش است. چنین امری موجب شده است که همیشه عمده آسیب‌های روانی - اجتماعی ناشی از چنین روابط مسئله‌داری بیش‌تر متوجه جمعیت دختران باشد. برخی از این آسیب‌ها عبارت‌اند از: پیدایی عشق‌های افلاطونی ناشی از شناخت‌های سطحی و رشد نیافته، از دست دادن ابتکار عمل در مقابل درخواست‌های جنس مقابل، تحمل اضطراب و استرس‌های ناشی از سوء استفاده عاطفی یا جنسی طرف مقابل، احساس خشم و تفر از بازیچه واقع شدن، کاهش عزت نفس، افسردگی، احساس حقارت و گناه، افت شدید تحصیلی و احتمالاً تمایل به ترک تحصیل و در مواردی بدبینی کلی نسبت به جنس مقابل و احتمالاً همسر آینده و...

لغزش دختران از معیارهای اخلاقی، معلول عوامل بی‌شماری است که ذکر و بررسی آن‌ها از حوصله این مقاله خارج است، ولی یکی از مهم‌ترین این عوامل، همانا ناآگاهی برخی از پدران از لطایف و وظایف مربوط به شناخت و

استفاده از کمبود عاطفی دختران را از جنس مقابل سلب نمایند. بدیهی است که با ایجاد چنین فضایی در خانواده نه تنها شدت این نیاز (نیاز به توجه و محبت جنس مقابل) در دختران به سوی اعتدال و پرهیز منطقی می‌گراید، که حتی مرور زمان نیز تا حصول بلوغ کامل در زمینه‌های مختلف روانی، اجتماعی، تحصیلی و... در خدمت سلامت دختران و خانواده‌ها و جامعه خواهد بود.

شناخت نیازهای متنوع دختران در سنین مختلف دوره نوجوانی مستلزم مطالعه کتب مربوط به روان‌شناسی نوجوانی است، ولی ما در این مقاله به بیان بخشی از نیازهای مهمی می‌پردازیم که عدم توجه و تأمین آن‌ها از جانب والدین و به خصوص پدران می‌تواند به طور بالقوه احتمال گرایش دختران به ایجاد ارتباط با جنس مقابل را افزایش دهد. این نیازها عبارت‌اند از:

- ۱- نیاز به معاشرت و رفاقت با پدری شاداب و آراسته از نظر ویژگی‌های ظاهری.

- ۲- نیاز به حمایت‌های بدون قید و شرط عاطفی، مالی و غیره در مواقع مورد نیاز.

- ۳- نیاز به بیان آزادانه افکار و عقاید و احساسات و تجربیات در زمینه‌های مختلف، برای اطمینان از صحت آن‌ها.

- ۴- نیاز به خلوت صمیمانه با والدین برای اعتراف به خطاها.

- ۵- نیاز به عذر پذیری بزرگوارانه و رازداری والدین و هم‌چنین نیاز به قاطعیت حساب شده آن‌ها در مواقع مورد لزوم.

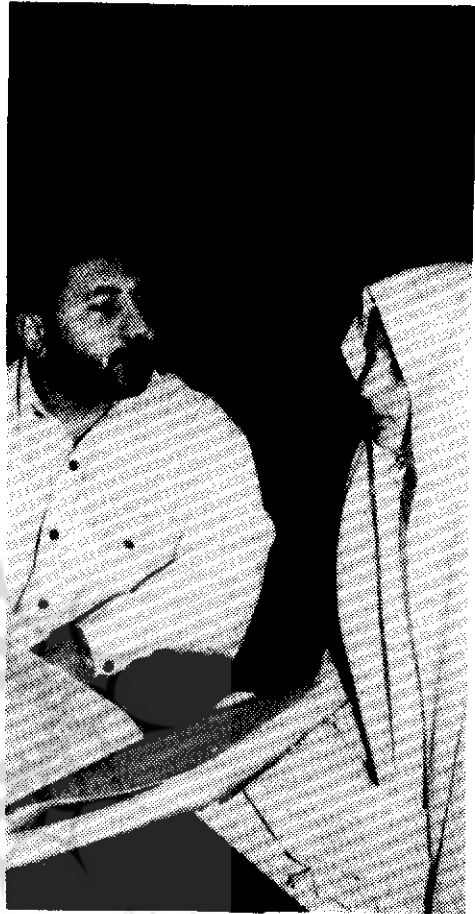
**با شناخت و تأمین نیازهای عاطفی دختران، خود را به دنیای آن‌ها نزدیک کنیم**

نوجوان و والدین متعلق به دو نسل جداگانه‌اند. هر دو نسل با الگوهای متفاوت و گاه متضادی همانندسازی کرده‌اند. تفاوت الگوها موجب تفاوت در اندیشه و رفتار دو نسل شده، همین امر موجب می‌شود که گاهی آن‌ها در مقابل یک‌دیگر قرار بگیرند. در این وضعیت والدین، نوجوانان خود را متهم و عصیان‌گر تلقی نموده و برای کنترل آن‌ها واکنش‌های محدودکننده از خود نشان می‌دهند و متقابلاً نوجوانان نیز ضمن اذعان به این‌که والدینشان آن‌ها را درک نمی‌کنند سعی می‌کنند به طرق مختلف خود را از سیطره امر و نهی آن‌ها خارج کنند. با افزایش فاصله روانی این دو نسل، میزان تبعیت نوجوانان از هنجارها و ارزش‌های گروه دوستان به شدت افزایش می‌یابد و آن‌ها با احساس یک خلاء روانی - عاطفی و هم‌چنین با احساس عدم امنیت در خانواده به آغوش گروه دوستان و هم‌سالان پناه برده، ضمن دریافت هم‌دردی و حمایت مشترک آن‌ها، به طور ناخودآگاه تحت تأثیر الگوهای رفتاری و پایدها و نیایدهای دیکته شده هم‌سالان قرار می‌گیرند. در بسیاری از موارد و صرف‌نظر از مشکلات عاطفی دختران در خانواده‌ها، گروه دوستان منحرف نیز یکی از علل مکمل و مهم گرایش دختران به ایجاد ارتباط با جنس مقابل بوده است. با توجه به این مقدمه، توصیه می‌شود که پدران به عنوان نماینده آشنای جنس مقابل در سیستم خانواده در فاصله زمانی بین بلوغ و ازدواج دختران، با انجام اقدامات لازم و داشتن انعطاف‌پذیری در زمینه‌هایی که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد خود را به دنیای زیبا و پر از نیاز دختران خویش نزدیک کرده، با تأمین این نیازها، امکان هرگونه سوء

نهفته در بخشی از نیازهای فوق را واضح تر کند و تأثیرات همکاری پدران را مشخص تر سازد.

یک دختر نوجوان شدیداً تمایل دارد که والدین او و به خصوص پدرش هنگام مراجعه به مدرسه از لباس و آراستگی دل خواهش برخوردار باشند و جوان تر و جذاب تر از همیشه جلوه کنند. آنها حتی به نوع لباس و سبک آرایش سر و صورت و نحوه صحبت کردن پدر در مدرسه حساسیت ویژه ای دارند و در صورت لزوم و امکان تلاش می کنند تا تغییرات دل خواهی در جنبه های ظاهری پدر ایجاد کنند و در صورت ناکامی دست به رفتارهای دفاعی زده، تلاش می کنند تا به لطایف الحیل از حضور پدر در مدرسه جلوگیری نمایند. گاهی در رفت و آمدهای بین خانوادگی نیز چنین انتظاراتی از دختران بروز می کند. گاهی نیز دختران تمایل دارند که فقط با پدر خود که از نظر ظاهری و جذابیت مورد تأثیرشان قرار گرفته باشند دست در دست یکدیگر به گردش ها و خریدهای دو نفره رفته، در مورد مسائل مختلف تشریح مساعی کنند.

آنها از همکاری و هم نوایی پدر در این لحظات مسرور شده، با دریافت مستقیم و غیرمستقیم توجه و تحسین دیگران نسبت به خود و پدرشان احساس غرور و بالندگی می کنند. این گروه از دختران تراژدی کمبود عاطفی را هیچ گاه تجربه نمی کنند. لذا شایسته است که شما پدران ضمن توجه به نیازهای دختران، هراز چند گاهی گردش و خلوتی صمیمی در خارج از منزل با دختران خود داشته باشید و حتی المقدور ضمن توجه و عمل به خواست های آنها در مورد حفظ آراستگی های ظاهری به ارائه زمزمه های محبت و ابراز علاقه و تعریف و تمجید از زیبایی های



۶- نیاز به توجه در ایامی همچون روز تولد، روز نوجوان و دانش آموز و حتی روز زن.

۷- نیاز به اعتماد و اطمینان والدین در همه زمینه ها.

۸- نیاز به کسب اطلاعات لازم در شناخت ترندها و انگیزه های پسران مغرض و یادگیری واکنش های دفاعی اجتماعی در مواجهه ناخواسته با آنها در جریان رفت و آمدهای روزمره. شاید بیان دو نمونه در این زمینه، ظرافت های

آموزش‌های اخلاقی، اجتماعی فوق می‌بایست ظرفیت سنی، هوشی و میزان پذیرش دختران را در نظر داشت و از هر گونه افراط و تفریط و یا صریح‌گویی در این زمینه جداً خودداری کرد. توصیه می‌شود که همراه با آموزش اخلاقی، آموزش‌های جنسی نیز به نوجوانان ارائه گردد. مسئولیت ارائه آموزش‌های جنسی به دختران و پسران به ترتیب بر عهده مادران و پدران است و چنانچه هر یک از والدین فاقد توانایی‌های لازم در ارائه آموزش‌های فوق باشند، شایسته است که در این زمینه‌ها از وجود پزشکان، روان‌شناسان و مشاوران ذی‌صلاح و یا افراد مطلع و هم‌جنس و مورد پذیرش نوجوان در بین اقوام بهره‌برداری کنند.

متأسفانه در مواردی فاصله سنی زیاد بین والدین موجب می‌شود که دوران نوجوانی برخی از دختران با دوران افتادگی و بی‌حوصلگی پدران مصادف شود. این عده از پدران معمولاً نمی‌توانند نقش مؤثری در تأمین برخی از نیازهای دختران خود داشته باشند. چنین امری به‌طور بالقوه برای این عده از دختران و یا برای عده دیگری که به علل مختلف از وجود یا حضور پدر در سیستم خانواده محروم‌اند، می‌تواند یک خلاء و کمبود محسوب شود. در این‌گونه موارد مؤکداً توصیه می‌شود که محارم مذکر آن‌ها از قبیل برادران بزرگ‌تر، عموها یا دایی‌ها که قابلیت جوانی و سازگار شدن نسبی با روحیات و نیازهای دختران نوجوان را دارند به ایفای نقش پدران بهره‌بردارند، البته مشروط بر آن‌که مورد پذیرش نوجوان نیز باشند.

خدادادی و معنوی دختران بپردازید. در چنین شرایطی است که درجه ذهن آن‌ها برای پذیرش راهنمایی‌های مفید و دلسوزانه شما کاملاً گشوده می‌شود و اختلاف ارزشی بین دو نسل به حداقل می‌رسد. مشاهده همکاری پدر نوعی اعتماد به نفس و خودارزشمندی در دختران به وجود می‌آورد. در این وضعیت جریان فکری و بررسی‌های عقلانی دختران آغاز می‌شود و نتیجه‌گیری‌های مشترک از گفت‌وگوها و هم‌چنین کسب شناخت‌های جدید و متعالی در تشخیص دقیق انگیزه‌های دوستی جنس مقابل به پیش‌رفته‌ترین حالت خود می‌رسد (آموزش اخلاقی).

برخی از موضوعاتی که می‌تواند مورد بحث پدران و دختران قرار گیرد و نهایتاً به اتخاذ موضع‌گیری‌های صحیح دختران در مقابل تحریکات جنس مقابل در قبل از ازدواج بینجامد، عبارت‌اند از:

- ۱- تحلیل نتایج انواع روابط پنهانی دختر و پسر در قبل از ازدواج و بررسی تأثیرات احتمالی این نوع روابط در زندگی فردی و زناشویی آینده.
- ۲- بررسی تجارب تلخ و شیرین اقوام، دوستان و آشنایان در نتیجه اقدام یا اجتناب از برقراری چنین روابطی در گذشته (عبرت‌آموزی).
- ۳- بررسی موزدی دیدگاه‌های اعضای گروه دوستان و هم‌کلاسی‌ها و نقادی و نتیجه‌گیری مشترک با پدر برای شناخت دوستان خوب و بد در این زمینه.
- ۴- بررسی راه‌کارهای مناسب برای ارائه کمک‌های مشترک فکری و خانوادگی به دخترانی که در این ورطه گرفتار آمده‌اند.

توضیح این نکته لازم است که در ارائه

## از تثبیت و تشدید عواطف دختران

### پیش‌گیری کنیم

تثبیت و ماندگاری نوجوانان و به‌خصوص دختران در بعد عاطفی صرف، زمینه‌ساز بروز بسیاری از بیماری‌های روانی و پیدایی خصوصیات و رفتارهای غیراخلاقی و ضداجتماعی است. انحرافات اخلاقی و گرایش‌های شدید عاطفی به جنس مقابل، گاه از چنین تثبیت و تمرکزی بر عواطف سرچشمه می‌گیرد. به‌طور مثال در خانواده‌هایی که مطالعه رمان‌های عشقی صرف و مشاهده فیلم‌های احساسی - عاطفی به‌صورت یک رفتار عادت‌ی درآمده باشد، بروز بحران‌ها و وابستگی‌های شدید به جنس مقابل نیز در دختران چنین خانواده‌هایی قابل پیش‌بینی است و این امر زمانی تشدید می‌شود که والدین هم در برخورد با مشکلات زندگی به‌طور احساسی و عاطفی عمل کنند. بنابراین توصیه می‌شود که فضای روانی خانواده و ارزش‌های حاکم بر آن به گونه‌ای باشد که زمینه‌ساز رشد توأمان عقلانی - عاطفی نوجوان باشد. هر اندازه که میزان استفاده نوجوان از ابزارهای شناختی و عقلانی بیش‌تر باشد به همان اندازه نیز شخصیت متعادلی در مراحل بعدی زندگی خواهد داشت. برخی از اقداماتی که می‌توانند در رشد متعادل عقلانی - عاطفی دختران مؤثر باشند به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

- ۱- تشویق دختران به عضویت در گروه‌های موجه و رسمی علمی، مذهبی، سیاسی، ورزشی، تحصیلی و ...
- ۲- ترغیب دختران به پذیرش مسئولیت در خانواده و پیروی از اصول و روش‌های عقلانی در جریان زندگی و انجام این مسئولیت‌ها.
- ۳- شرکت دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های

خانوادگی و مشورت با آن‌ها.

۴- ارائه استقلال و آزادی‌های مشروع در

تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود.

۵- پرهیز از تحقیر و سرزنش و انتقادهای غیرسازنده.

## به تقویت همه جانبه عواطف دختران

### بپردازیم

دوران بلوغ و نوجوانی، دوران شکفتگی عواطف و احساسات است و گرایش به جنس مقابل به رغم قدرت انگیزشی‌یی که دارد، فقط یکی از جلوه‌های این شکفتگی است. (دقت کنید) تمایلات عاطفی دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند حوزه اندیشه و رفتار دختران را سخت تحت تأثیر خود قرار دهند. تمایلاتی همچون: نوع دوستی، ایثار و فداکاری، تمایلات و گرایش‌های هنری در زمینه‌های مختلف، گرایش‌های مذهبی و نیاز به نجوا و نیایش، علاقه‌مندی به شهر و محیط زندگی....

والدین باید به دختران خود زحمت انجام اموری را بدهند که موجب شود آن‌ها به‌طور طبیعی و ناخودآگاه به‌جای تمرکز بر تمایلات عاطفی نسبت به جنس مقابل خود به تجربه و ارضای سایر نیازهای ادراک شده معنوی در ساختار شخصیتی خویش بپردازند. در غیر این‌صورت کشش‌های عاطفی - جنسی بر کشش‌های معنوی نوجوانان غلبه کرده، فرایند تربیت‌پذیری نوجوان نیز در آینده بسیار سخت و دشوار خواهد شد. همکاری والدین با نوجوانان در امور زیر، راه‌کارهای مناسبی در تقویت همه جانبه عواطف نوجوان می‌باشد: تشویق دختران به عضویت در گروه‌ها و گروه‌هایی‌های اعتقادی و مذهبی، عضویت در گروه‌های هنری، حضور در



از دختران، جنس مقابل و مورد توجه خود را مانند یک فرشته و یا یک موجود کاملاً استثنایی تصور کرده، مانند یک بت آن‌ها را بپرستند، مانند پرستش یک قهرمان ورزشی، یک هنرپیشه یا هنرمندانی در زمینه‌های مختلف. آنچه باید درباره گفت‌وگوی دختران و پسران نوجوان با یکدیگر مورد توجه والدین قرار بگیرد همانا پرهیز از ایجاد زمینه برای خلوت آن‌ها با یکدیگر است، زیرا در چنین شرایطی و به‌طور طبیعی عواطف و غرایز جنسی تحریک شده، زمینه‌های انحراف به‌تدریج و در جریان خلوت‌های مستمر شکل می‌گیرد. در غالب موارد یکی از علل انحرافات اخلاقی نوجوانان، یافتن فرصت تنهایی و خلوت با جنس مقابل خود بوده است.

در خاتمه توضیح این نکته لازم است که والدین می‌توانند با ایجاد تغییرات اندکی در برخی از مصادیق این توصیه‌ها از آن‌ها در تربیت پسران نوجوان نیز بهره‌برداری کنند و هدف اصلی نگارنده از تأکید بر مسائل دختران و پدران، صرفاً مشخص تر کردن حقوق عاطفی - روانی دختران در مقابل والدین، به‌ویژه پدران بوده است.

مراسم مذهبی و شرکت در مراسم دعا و نیایش، مشارکت با نوجوان در حل مشکلات عاطفی، تحصیلی و مالی هم‌کلاسی‌ها، دوستان و همسایگان، دیدار از بیماران و شرکت مسئولانه در ارائه کمک‌های مادی و معنوی به نیازمندان اجتماعی و...

### دختران خود را به شرکت در گفت‌وگوهای عادی و روزمره تشویق کنیم

گاهی مشاهده می‌شود که برخی از دختران و پسران در جریان گفت‌وگوهای معمولی و روزمره با جنس مقابل خود، دچار اضطراب شده، علائمی همچون طپش قلب، لرزش دست‌ها، خشکی لب‌ها و دهان و تغییر رنگ چهره را از خود نشان می‌دهند. این عده از دختران و پسران ترجیح می‌دهند حتی الامکان از مواجهه با جنس مقابل خود طفره رفته، روابط اجتماعی خود را با آنان عملاً محدود کنند. این پدیده حتی در برخی از دانشجویان دانشگاه‌ها نیز قابل مشاهده است. یکی از دلایل چنین واکنش‌هایی، محدود بودن روابط اجتماعی با جنس مقابل در دوره نوجوانی بوده است. در این دوره والدین می‌بایست نوجوان خود را تشویق کنند که در جریان زندگی روزمره با جنس مقابل خود مواجه شده، برای انجام امور جاری خود با آن‌ها گفت‌وگو کند. به‌خصوص گفت‌وگوی دختران و پسران در معیت و جمع خانواده‌ها درباره مسائل همچون مسائل خانوادگی، تحصیلی، شغلی و ... هم‌چنین مشارکت والدین در این‌گونه بحث‌ها، موجب تعدیل هیجانات آن‌ها نسبت به یکدیگر می‌شود و آن‌ها درمی‌یابند که جنس مقابل آن‌ها یک موجود عادی است. محدودیت‌های موجود در این زمینه گاهی نیز موجب می‌شود که برخی دیگر